



ساخت نظریه بی‌اعتمادی روستائیان برای مشارکت در طرح‌های توسعه روستایی با استفاده از روش کیفی نظریه داده بنیان

یاسر محمدی^۱، امیرحسین پیرمرادی^۲

چکیده

با مروری بر آثار تهیه و اجرای طرح‌های هادی روستایی، واضح است که این طرح توانسته زمینه لازم را برای تحقق توسعه کالبدی در روستاها فراهم نموده و آثار مثبتی را به دنبال داشته باشد اما از طرف دیگر این طرح در فرایند تهیه و اجرا با چالش‌های و مشکلاتی مواجه بوده که منجر به بی‌اعتمادی و عدم مشارکت مردم روستایی در اجرای این طرح‌ها شده است. برای مطالعه نظریه بی‌اعتمادی روستائیان جهت مشارکت از تئوری داده بنیان استفاده شد. جامعه آماری مطالعه را روستائیان شهرستان اسلامشهر از توابع استان تهران تشکیل داده که طرح‌های هادی روستا برای آنها انجام شده بود. در نمونه‌گیری از مطلعین روستائی استفاده شد که تمایل به مشارکت در تحقیق داشتند و تجارب خود را به راحتی در میان می‌گذاشتند. لذا نمونه‌گیری تا زمان اشباع داده‌ها ادامه یافت به طوریکه تعداد مشارکت‌کنندگان به ۵۰ نفر رسید. روش گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های بدون ساختار، مشاهده و عکس و بر اساس رویکرد استراوس و کوربین بود. نتایج این مطالعه بر مبنای تئوری داده بنیان نشان داد که نظریه عدم اعتماد مردم روستایی و عدم مشارکت در این طرح‌ها ناشی از مجموعه‌ای از عوامل علی، عوامل مداخله‌کننده و بستر حاکم بر کنش‌ها و تعاملات بود. بطوریکه فقدان دانش و آگاهی مسئولین از واقعیت‌های روستا و شناخت مردم از اهداف طرح‌ها موجب بروز نقص فنی در طراحی محتوی و اجرای طرح‌ها می‌شود. سپس بروز نقص فنی در طراحی محتوی و اجرای طرح‌ها موجب پدیدآمدن چالش‌های زیست محیطی در منطقه روستایی می‌شود. در ادامه چالش‌های مدیریتی-برنامه‌ریزی به عنوان بستر حاکم و مشکلات فیزیکی و عدم کیفیت مصالح مورد استفاده به عنوان شرایط مداخله‌گر نیز موجب ایجاد مشکلات زیست محیطی ناشی از اجرای طرح در مناطق روستایی می‌شود و در نهایت چالش‌های زیست محیطی بوجودآمده باعث ایجاد عدم اعتماد و نارضایتی از طرح‌ها شده و تمایل مردم به مشارکت در اجرای طرح‌ها را کاهش می‌دهد.

کلمات کلیدی: نظریه بی‌اعتمادی، توسعه روستایی، مشارکت، طرح‌های هادی روستایی، نظریه داده بنیان

^۱ استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان

^۲ دانشجوی دکتری توسعه روستایی دانشگاه رازی کرمانشاه



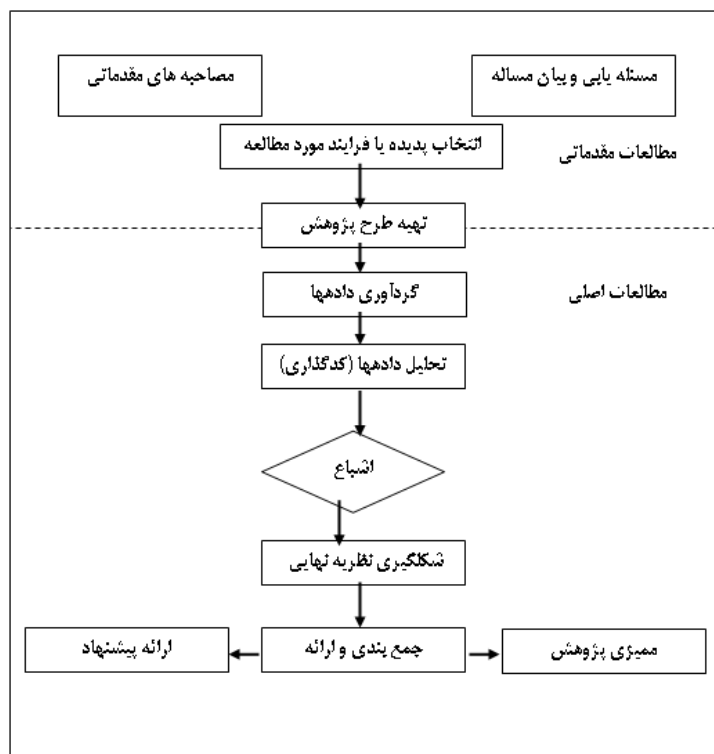
مقدمه

مشارکت، واژه‌ای است که به قدمت تاریخ بشر پیشینه دارد زیرا از بعد نظری و عملی، مشارکت در بطن هر جامعه در قالب مفاهیمی مانند هم‌بستگی، اتحاد، همکاری، انجمن و مانند آن نهفته است. در فرهنگ علوم اجتماعی، مشارکت به معنای سهمی در چیزی یافتن و یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن (دانش مهر، ۱۳۹۰). هم‌چنین، طی چندین دهه‌ی گذشته مشارکت در قالب‌های نوین به ابزاری تحول آفرین در جوامع در حال توسعه تبدیل شده است. به یقین در این جوامع، طرح هر برنامه‌ی توسعه بدون توجه به روستا و روستائیشینان، موفقیت نخواهد بود زیرا هنوز خیل عظیمی از جمعیت این جوامع در روستاها زندگی می‌کنند و این زمانی اهمیت می‌یابد که بدانیم براساس سرشماری نفوس سال ۱۳۸۵، از جمعیت حدود ۷۰ میلیونی، حدود ۳۱ درصد (۲۲ میلیون) در روستاهای زندگی می‌کنند (بافکار، ۱۳۹۰). مشارکت بهترین وسیله برای برانگیختن توده‌های روستایی برای ایجاد تحول و توسعه در کشور است. مشارکت در توسعه روستایی امروزه یک امر مهم تلقی شده و فرض بر این است که مشارکت بیشتر، بهتر از عدم مشارکت و مشارکت کمتر است و شکست استراتژی سنتی توسعه روستایی نیز ناشی از عدم مشارکت عموم مردم روستایی برنامه‌های توسعه عنوان می‌شود. مطالعات اخیر در کشورهای در حال توسعه نشان داده‌اند که رهیافت‌های مشارکتی برای توسعه روستایی موفقیت‌آمیز بوده‌اند و بر اساس این مطالعات شکست یا موفقیت طرح‌های توسعه روستایی، بستگی به درجه‌ی مشارکت و درگیری اجتماعات محلی در طرح‌ها و ارزیابی آن‌ها از پروژه‌ها دارد (دانش مهر، ۱۳۹۰). از این رو فراهم آوردن موجبات مشارکت روستائیان در برنامه‌های توسعه‌ی روستایی، امری لازم و ضروری است (بافکار، ۱۳۹۰) زیرا به اعتقاد مایکل تودارو اگر قرار است در کشوری توسعه اتفاق بیفتد و خودپایدار باشد، باید از سکونتگاه‌های روستایی آغاز گردد (تودارو، ۱۳۷۸). اما متأسفانه در حال حاضر، نه تنها روستائیان در تمام مراحل چرخه‌ی توسعه نقش ندارند، بلکه برخی از نهادهای مشارکتی جدید حالت نمایشی یافته‌اند. بیش از دو دهه است که فعالان و نظریه پردازان توسعه در سراسر دنیا، درباره‌ی نیاز به مشارکت عامه‌ی مردم در توسعه بحث می‌نمایند اما در بسیاری از تئوری‌های توسعه روستایی، تفکر درباره مشارکت در سطح بسیار ایدئولوژیک و آرمان‌گرایانه باقی مانده است لذا مباحث توسعه مشارکتی روستایی اغلب فاقد ابزارهای تحلیلی، روش‌های عملی و چارچوب نظری مناسب بوده‌اند، به همین دلیل بحث مشارکت تا حد نوعی تبلیغات تنزل پیدا کرده است (ازکیا، ۱۳۸۷). علل و عوامل مختلفی برای کم‌رنگ شدن مشارکت روستائیان در طرح‌های توسعه روستایی بیان شده است که عبارتند از بی‌سوادی، کم‌سوادی، کمبود اطلاعات، موانع زبانی و فرهنگی، کمبود وقت، چشم و هم‌چشمی و رقابت، سنت‌گرایی و تعصب و از همه مهم‌تر بی‌اعتمادی و بدبینی به مجریان برنامه‌های مشارکتی و طرح‌های توسعه در کشور (بافکار، ۱۳۹۰). یکی از مهمترین دلایل اصلی عدم مشارکت روستائیان در برنامه‌های توسعه، عدم اعتمادی است که در نتیجه سالها و تحت تاثیر عوامل مختلفی بین آنها و مجریان و مسئولین طرح‌های توسعه ایجاد شده است. شناخت ریشه این بی‌اعتمادی از دل حرف‌ها و دغدغه‌های خود روستائیان، می‌تواند کمک بزرگی در حل این مشکل و افزایش مشارکت روستائیان داشته باشد. بنابراین در این مطالعه سعی شد تا عوامل موثر بر بی‌اعتمادی روستائیان نسبت به مشارکت در برنامه‌ها روستائیان از طریق یک روش تحقیق کیفی به نام تئوری داده بنیان که روش منطقی و توأم با کل‌نگری است، استفاده شود.

روش تحقیق:

الف) نوع روش تحقیق (روش تئوری داده بنیان)

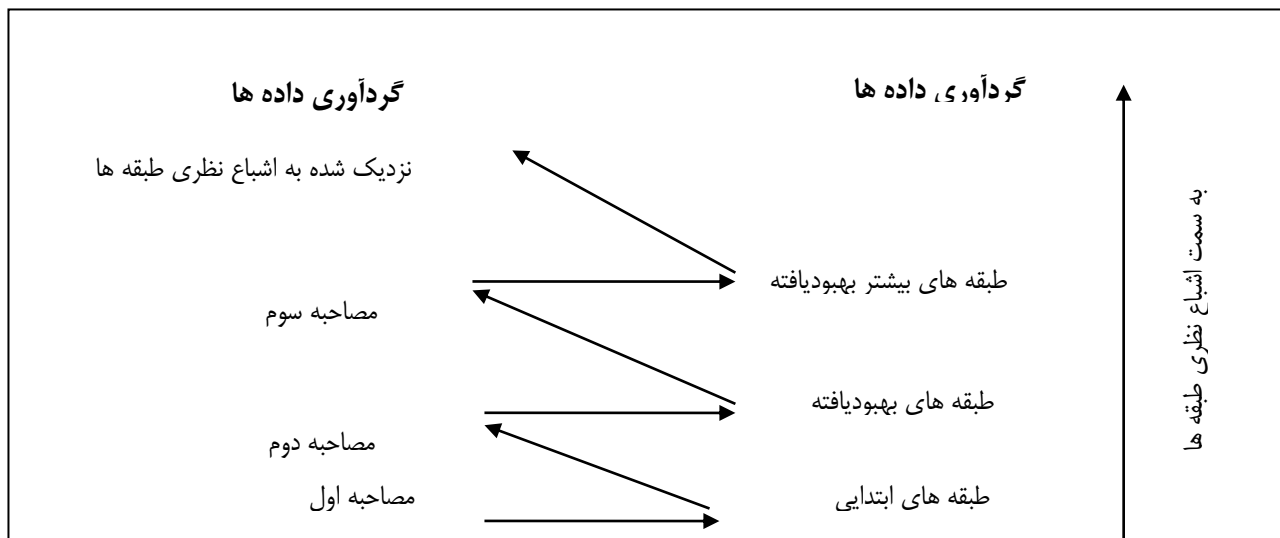
اولین بار، گلاسر و استراوس (۱۹۶۷)، استراتژی داده بنیان را تدوین کردند و نظریه داده بنیان را یک روش پژوهشی معرفی کردند که طی اجرای آن، مجموعه‌ای از داده‌ها به گونه‌ای سیستماتیک طبقه‌بندی و دسته‌بندی می‌شوند و با تجزیه و تحلیل خاص پژوهش‌های کیفی مورد تفسیر قرار می‌گیرند تا سرانجام استخراج نظریه از بین انبوهی از داده‌ها تحقیق یابد (دانایی فرد و اسلامی، ۱۳۹۰). پژوهش‌های کیفی در دنیای امروز علوم اجتماعی جایگاه ویژه‌ای داشته (ادیب حاج‌باقری، ۱۳۸۶). روش تحقیق تئوری بنیان از جمله روش‌های تحقیق کیفی است که برای بررسی فرایندهای اجتماعی و تعاملات انسانی در موقعیت طبیعی‌شان پرداخته و به مدل مفهومی حاصل از اطلاعات مستخرج از دل طبیعت و رفتارهای جامعه مورد مطالعه، دست می‌یابد. این روند را می‌توان در شکل ذیل مشاهده نمود (شکل ۱).



شکل ۱. مراحل و فعالیت های پژوهش نظریه پردازی داده بنیان (دانائی فرد و امامی، ۱۳۸۶)

ب) روش گردآوری اطلاعات

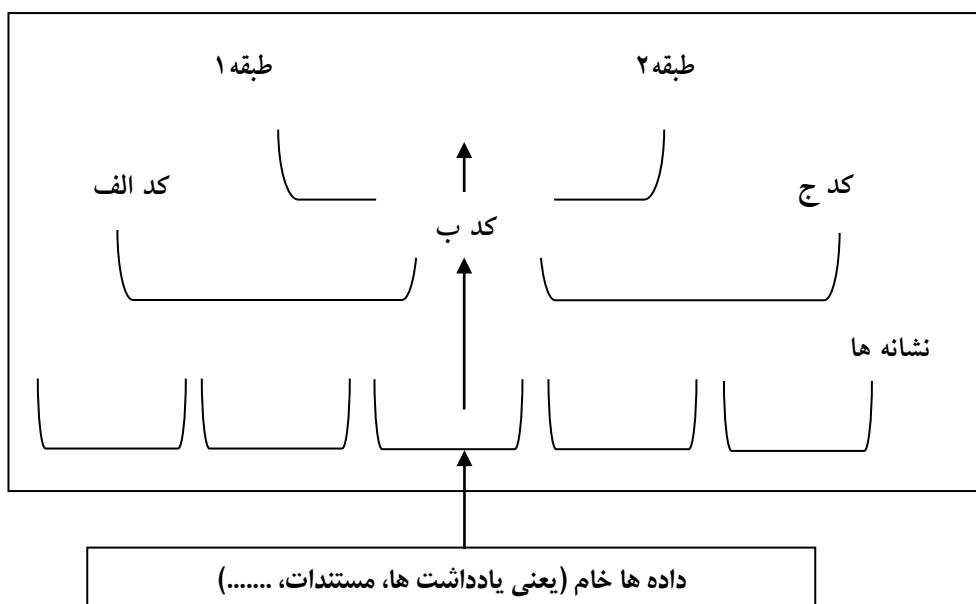
محدوده تحقیق در این مطالعه، روستاهای هدف طرح هادی روستا در شهرستان اسلامشهر از توابع استان تهران بود. جامعه آماری این مطالعه را مطلعین روستائی تشکیل داده که طرح های هادی روستا برای آنها انجام شده است. روش گردآوری دادهها از طریق مصاحبه های بدون ساختار، مشاهده و عکس و بر اساس رویکرد استراوس و کوربین بود. برای انتخاب افراد از مطلعین روستائی استفاده شد که تمایل به مشارکت در تحقیق داشتند و تجارب خود را براحتی در میان می گذاشتند. معیارهای خروج مطالعه نیز، مانع از تمایل مشارکت کننده به ادامه مصاحبه بود. در تحقیقات کیفی، قبل از انجام تحقیق نسبت به تعیین تعداد نمونه اقدامی صورت نمی گیرد، بلکه تعداد نمونه ها باید در حدی باشد که به تبیین و شناخت مسئله مورد نظر کمک کند و منجر به اشباع یا اقناع اطلاعاتی مورد نظر گردد و در واقع با افزایش تعداد نمونه ها، داده های جدیدی حاصل نشود. لذا نمونه گیری تا زمان اشباع داده ها ادامه یافت به طوری که تعداد مشارکت کنندگان به ۵۰ نفر رسید. گردآوری داده ها نیز به روش زیگزاگ تا رسیدن به اشباع طبقه ها انجام شد (شکل ۲).



شکل ۲. حرکت زیگزاگ گردآوری و تحلیل داده ها برای دستیابی به اشباع طبقه ها (کرسول، ۲۰۰۵)

ج) روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تجزیه و تحلیل داده‌ها بعد از پیاده‌کردن و تایپ مصاحبه‌ها صورت گرفت. تحلیل داده‌ها طی فرایندی منظم و در عین حال مداوم از مقایسه داده‌ها بود (شکل ۳) و برای این کار از فرایند سه مرحله‌ای کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی استفاده شد. برای کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها چندین بار خوانده و جملات اصلی آن استخراج شد و بصورت کدهایی ثبت گردید و سپس کدهای مشابه در دسته‌هایی قرار گرفتند. در کدگذاری محوری، طبقات به طبقات فرعی خود ربط داده شدند تا تبیین‌های دقیق‌تر و کامل‌تری درباره پدیده ارائه شوند. همچنین در کدگذاری محوری، دسته‌های اولیه‌ای که در کدگذاری باز تشکیل شده بودند با هم مقایسه و آنهایی که با هم شباهت داشتند حول محور مشترکی قرار گرفتند. کدگذاری انتخابی فرایند یکپارچه سازی و پالایش مقوله‌هاست بطوریکه محقق با ایجاد یک آهنگ و چیدمان خاص در بین مقوله‌ها، آنها را برای ارائه و شکل‌دهی یک تئوری تنظیم می‌کند (شکل ۳).



شکل ۳. رویه مقایسه مستمر در نظریه پردازی (کرسول، ۲۰۰۵)



در طول پژوهش، روش هایی برای اطمینان از صحت و پایایی مطالعه مورد استفاده قرار گرفت. در مطالعات کیفی چهار معیار برای اعتمادپذیری مطالعه پیشنهاد شده است: مقبولیت، انتقال پذیری، همسانی و تاییدپذیری. لذا در این مطالعه با برقراری تماس طولانی با مشارکت کنندگان و با محیط پژوهش، بررسی مداوم داده‌ها، ضبط صدا و پیاده‌نمودن و تحلیل داده‌ها بلافاصله پس از مصاحبه و بازخورد آن برای مصاحبه‌های بعدی برای افزایش مقبولیت داده‌ها استفاده شد. تاییدپذیری داده‌ها از طریق بازنگری توسط مشارکت کنندگان و استفاده از نظریات اصلاحی آنها آزمون گردید. برای بررسی انتقال‌پذیری مطالعه، نتایج در اختیار چندتن از روستائیان که در تحقیق شرکت نداشتند، گذاشته شد و از آنان خواسته شد که نتایج را با تجربه خودشان مقایسه نمایند.

نتایج تحقیق

گام اول: کدگذاری اولیه

در این مرحله پس از فهرست کردن تمامی نکات کلیدی مصاحبه‌ها، به هر نکته یک کد (یک عنوان) تخصیص داده شد. در جدول زیر برخی از مفاهیم آورده شده است. (جدول ۱).

جدول ۱. مفاهیم استخراجی از مصاحبه‌ها

کد اولیه	متن مصاحبه (نکات کلیدی)
وجود اشکالات فنی در محتوای طرح‌ها	این طرح‌ها اشکالات فنی زیادی دارند
متناسب نبودن محتوای برنامه‌ها با شرایط مردم و روستا	طرح‌ها به درد ما و روستا نمی‌خورد
عدم صحت آمار و اطلاعات در مورد روستا	اطلاعاتی که از روستا دارند قدیمی و اشتباه است
عدم بازبینی آمار و اطلاعات روستا توسط مشاورین قبل از تدوین طرح	آمار و اطلاعات روستا را قبل از نوشتن طرح با واقعیت روستا چک نمی‌کنند و تا آخر طرح اشتباه نوشته می‌شود
عدم تطابق محتوای طرح‌ها با واقعیت روستا	نمی‌شود که طرح‌ها را پشت میز نوشت و در روستا اجرا کرد
عدم حضور نظرات مردم در طراحی برنامه‌ها	زمانیکه طرح‌ها نوشته می‌شود باید از مردم روستا مشاوره گرفته شود که گرفته نمی‌شود
عدم تناسب طرح‌ها با بافت روستا	این طرح‌ها برای شهرها بهتره تا روستا
وارداتی بودن طرح‌ها و عدم تناسب با الگوی روستایی کشور	این طرح‌ها وارداتی بوده و با فرهنگ روستانشینی کشور ما مطابقت ندارد
تغییر نامناسب شکل ظاهری روستا	این طرح‌ها شکل روستا را خراب کرده است
عدم پوشش کامل روستاها توسط طرح	این طرح‌ها برای بخشی از روستا اجرا می‌شود برای بخش دیگر نه
عدم یکپارچگی در اجرای طرح‌ها	این طرح‌ها تکه تکه انجام می‌شود
عدم بهره‌گیری از توان مردم روستایی در اجرای طرح‌ها	از افراد روستایی برای انجام طرح‌ها استفاده زیادی نمیشه
تغییر بافت روستا به بافت شهر	قرار نیست روستا مثل شهر و با امکانات شهر باشد
عدم توجه به معماری سنتی روستایی	به معماری خود روستا توجه نمی‌شود
از بین رفتن یا کمرنگ شدن هویت روستایی روستاها	اجرای این طرح‌ها هویت روستایی روستاها را از آن‌ها گرفته است
ترویج سبک زندگی شهری به جای روستایی	این طرح‌ها نوعی تبلیغ برای شهری شدن است
ناهمگون شدن چهره ظاهری روستا	اجرای طرح‌ها چهره روستا را زشت کرده است
عدم همخوانی امکانات ایجاد شده با محیط طبیعی روستا	امکانات مصنوعی ایجاد شده با محیط طبیعی اطراف روستا همخوانی ندارد
ناهمخوانی بناهای ایجاد شده با چهره سنتی خود روستا	اصلاً برخی معابر ساخته شده با قیافه ظاهری روستا که از گل ساخته شده همخوانی ندارد
عدم توجه به پتانسیل‌های روستا در اجرای طرح‌ها	پتانسیل‌های خود روستا در طرح‌ها در نظر گرفته نمی‌شود
وقفه در اجرای طرح‌ها	اواسط طرح‌ها وقفه ایجاد می‌شود



مشکلات مالی کند کننده اجرای طرح ها	کمبود پول باعث شده تا این طرح ها خوب انجام نشود
تغییر کاربری کشاورزی به ساختمان ها و اماکن مسکونی	این طرح ها باعث شده زمین های کشاورزی به ساخت و ساز تبدیل شود
فروش اراضی کشاورزی جهت خرید اماکن مسکونی	مردم زمین های کشاورزی را فروخته تا زمین برای اماکن روستایی بخرند
عدم استحکام سازه های ایجاد شده	اکثر چیزهایی که ساخته شده به راحتی خراب می شود
مقاوم نبودن ساختمان های ایجاد شده	با کوچکترین زلزله یا طوفان این خونه ها فرو می ریزند
عدم توجه به جنس با کیفیت	به نظر میاد از مواد ارزون قیمت استفاده می کنند تا جنس خوب
عدم توجه به مصالح و امکانات درون روستا	از مصالح درون روستا کمتر استفاده می شود
توجه به کمیت تا کیفیت ساخت بناها	بیشتر هدف این است تا زود ساخته بشه تا خوب ساخته بشه
تقلبی بودن مصالح جهت کسب سود توسط پیمانکاران	پیمانکاران برای سود بیشتر از مصالح تقلبی استفاده می کنند
عدم توجه به استانداردهای مقاوم سازی	استانداردهای مقاوم سازی اصلاً رعایت نمی شود
عدم آشنایی با مشکلات اساسی روستا	کسانی که این طرح ها را می نویسند، درد روستا را نمی فهمند
عدم حضور قبلی طراحان برنامه ها در محیط روستا	افرادی طرح ها را می نویسند که یکبار هم پا در روستا نگذاشتند
عدم آگاهی مجریان از قوانین و مقررات سنتی روستا	این ها نمی دانند که روستا قانون و قاعده خودش را دارد
عدم حضور طراحان و مسئولان طرح ها در محیط روستا و شناخت آن	نمی شود که اونجا نشت و برای روستاها طرح نوشت
عدم شناخت الگو و بافت خاص هر روستا	هر روستا طرح خاص خودش را می خواهد نه همه روستاها یک طرح
عدم آشنایی مردم روستا با چرایی اجرای طرح ها	اصلاً این طرح ها چرا باید در روستای ما انجام شود
عدم آگاهی و اطمینان مردم از اهمیت طرح ها	معلوم نیست این طرح ها به نفع روستاست یا به ضرر آن
عدم آگاهی از اهداف اجرای طرح ها	هدف از انجام این طرح ها مشخص نیست

ماخذ: یافته های تحقیق، ۱۳۹۵

• شکل دهی طبقات اصلی

پس از تعیین طبقه های فرعی، مرحله ساخت طبقات اصلی نظریه است که در جدول (۲) ارائه شده است:

جدول ۲. شکل دهی طبقه های اصلی

طبقه های اصلی	طبقه های فرعی
نقص فنی در طراحی و اجرای طرح ها	<ul style="list-style-type: none"> - وجود نقص در طراحی محتوی طرح ها - عدم تناسب محتوای طرح ها با معماری سنتی روستایی - وجود نقص در اجرای طرح ها
مشکلات فیزیکی و عدم رعایت استانداردهای مقاوم سازی	<ul style="list-style-type: none"> - کیفیت پایین مصالح و فقدان استانداردهای مقاوم سازی - منفعت طلبی پیمانکاران و عدم اتکا به پتانسیل های طبیعی روستا
فقدان دانش و آگاهی مسئولین و مردم	<ul style="list-style-type: none"> - فقدان آگاهی طراحان و مجریان برنامه از فرهنگ، قوانین و آداب و رسوم و معماری سنتی روستایی - فقدان شناخت مردم از اهداف و ارزشمند بودن طرح ها - فقدان برنامه های آموزشی و کانال های اطلاع رسانی جهت آگاهی مردم از اهداف طرح ها - فقدان اعتقاد و استفاده از دانش بومی مردم روستا در تدوین و اجرای طرح

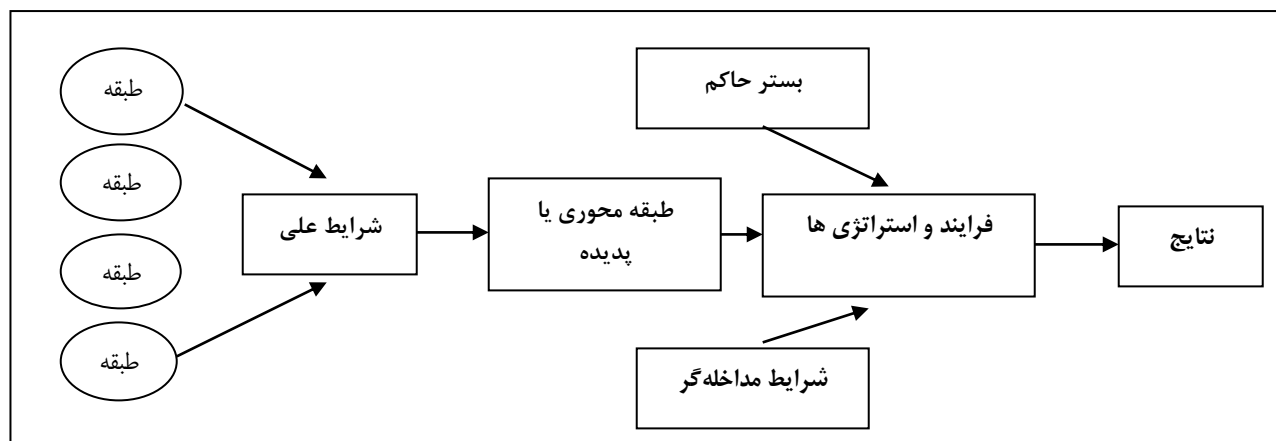


طبقه‌های اصلی	طبقه‌های فرعی
پیامدهای منفی زیست محیطی	<ul style="list-style-type: none"> - عدم توجه به مسائل زیست محیطی در محتوای طرح‌ها و کاهش کیفیت محیط زیست در اثر اجرای طرح - مصنوعی شدن امکانات تفریحی ایجاد شده و ناهمگونی با بافت‌های سنتی روستا
فقدان مشارکت و رضایت از اهداف طرح	<ul style="list-style-type: none"> - عدم مشارکت مردم در فرایند برنامه ریزی و اجرای برنامه - فقدان رضایت، اعتماد و نگرش مثبت مردم روستا نسبت به اهداف و منافع طرح‌ها
چالش‌های مدیریتی - برنامه‌ریزی	<ul style="list-style-type: none"> - فقدان اعتقاد مسئولین به نقش و اهمیت مردم و مدیریت محلی روستا در تسهیل اجرای طرح - مشکلات مالی طرح‌ها - فقدان چارچوب زمانی مشخص و نظارت بر تکمیل پروژه در چارچوب مشخص شده - فقدان تطابق اهداف برنامه‌ها با نیازهای مردم و پوشش نیازهای اصلی - عدم انعطاف‌پذیری محتوای طرح‌ها - مشکلات سیستم مدیریت برنامه و عدم هماهنگی بین سازمان‌های متولی

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

- گام دوم: کدگذاری محوری

کدگذاری محوری، مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه پردازی داده بنیان است. هدف از این مرحله برقراری ارتباط بین طبقات تولید شده در مرحله کدگذاری باز است. این کار بر اساس مدل پارادایم انجام می‌شود و به نظریه پرداز کمک می‌کند تا فرایند ساخت نظریه را به سهولت انجام دهد. مدل پارادایم کدگذاری محوری در ذیل آمده است (شکل ۴):



شکل ۴. مدل پارادایمی کدگذاری محوری (کرسول، ۲۰۰۵)

همانطور که در شکل بالا مشاهده می شود، اساس فرایند ارتباط دهی در کدگذاری محوری بر بسط و گسترش یکی از طبقات است مانند آنچه در پژوهش حاضر به عنوان طبقه محوری انتخاب شده است یعنی نقص فنی در طراحی و اجرای طرح ها که نشأت گرفته از شرایط علی بوده و بر فرایند و استراتژی اثرگذار بوده که منجر به پیامد نهایی می شود (شکل ۵).



شکل ۵. کدگذاری محوری بر اساس مدل پارادایم (کرسول، ۲۰۰۵)

گام سوم: تشریح مدل پارادایم و کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی مرحله اصلی نظریه پردازی است که بر اساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری به تولید نظریه می پردازد. به این ترتیب که مقوله محوری به شکلی نظام مند به دیگر مقوله ها ربط داده شده، آن روابط را اثبات پژوهشی کرده و طبقه هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند اصلاح می کند. در واقع سعی می شود با کنار هم نهادن طبقه ها و بر اساس روابط بین آنها، یک تصویر ایجاد شود. فرایند تولید نظریه می تواند به تدوین قضیه ها و ایده هایی آزمون پذیر برای اتخاذ پژوهش های عددی نیز بیانجامد. می توان این نظریه را در قالب دسته ای از فرضیه ها (اصلی و فرعی) نیز بیان کرد (کرسول، ۲۰۰۵).

۱. چرایی انتخاب طبقه محوری:

این مقوله همان برجسی مفهوم می است که برای چارچوب یا طرح بوجود آمده، در نظر گرفته می شود. در فرایند پژوهش، یکی از طبقه ها باید به عنوان طبقه محوری انتخاب و ارتباط آن با سایر طبقات مشخص شود که ارتباط سایر طبقات با طبقه محوری در پنج عنوان



می‌تواند تحقق داشته باشد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). در این مطالعه وجود نقص فنی در طراحی و اجرای طرح‌ها به عنوان طبقه محوری انتخاب شد چون همه چالش‌ها حول محور ناقص بودن طراحی و اجرای برنامه‌های می‌چرخد که موجب بسیاری از چالش‌های دیگر و در نهایت مردم را بی‌اعتماد می‌کند. این طبقه محوری تحت تاثیر شرایط علی فقدان دانش و آگاهی مسئولین از واقعیت‌های روستا و آگاهی مردم از اهداف طرح‌ها بوده و بر پدید آمدن مشکلات زیست محیطی نیز اثرگذار است.

۲. شرایط علی^۳:

این شرایط باعث ایجاد و شکل‌گیری پدیده یا طبقه محوری می‌شوند. این شرایط را مجموعه‌ای از طبقات به همراه ویژگی‌های‌شان تشکیل می‌دهد. در این مطالعه شرایط علی و دلیل اینکه مردم از اهداف طرح‌ها رضایت نداشته و نگرش مثبتی ندارند، به عدم آگاهی و شناخت آن‌ها از اهداف طرح و فقدان آگاهی مسئولین از شرایط روستا و تدوین برنامه بر اساس واقعیت‌های روستا بود. زیرا عدم شناخت طراحان و مجریان و پیمانکاران طرح‌ها از شرایط، قوانین و سنن روستا به تدوین برنامه‌ای ناقص می‌انجامد و در مواردی نه با معماری روستایی همخوانی داشته، نه با فرهنگ، آئین و مقررات و الگوی سنتی روستایی مطابقت دارد. همچنین در اجرا نیز از پتانسیل‌های موجود در روستا از نیروی انسانی گرفته تا منابع طبیعی بهره‌ای برده نشده است.

۳. کنش‌ها و تعاملات^۴:

کنش‌ها یا تعاملاتی که از پدیده محوری منبث می‌شوند. بنابراین پدید آمدن مشکلات زیست محیطی از جمله پیامدهایی هستند که از طراحی و اجرای ناقص برنامه‌ها نشأت گرفته بودند. در اثر ناقص بودن محتوای برنامه‌ها، به مسائل زیست محیطی در محتوای طرح‌ها توجهی نشده است لذا اجرای برنامه‌ها مشکلات زیست محیطی بوجود آورده است. همچنین این پیامدهای منفی زیست محیطی تحت تاثیر مشکلات فیزیکی و کیفیت پایین مصالح مورد استفاده از یک طرف و چالش‌های مدیریتی - برنامه‌ریزی از سوی دیگر بودند. بسیاری از کیفیت پایین مصالح و عدم رعایت اصول مقاوم سازی و عدم همگونی بین ساخت‌های جدید با الگوهای سنتی روستا، نه تنها باعث ناموزون شدن شکل روستا شده، بلکه بسیاری از تفرجگاه طبیعی، فضای سبز طبیعی و گونه‌های گیاهی و جانوری را نیز دستخوش تغییرات کرده است. لذا روستائیان از طرفی با یک معماری شبه شهری مواجه بوده که آن‌ها را از خود نمی‌دانند و از طرفی بسیاری از فاکتورهای زیست محیطی روستا مانند آب و هوا و محیطی طبیعی روستا را از دست رفته می‌بینند لذا اعتماد آنها به این برنامه‌ها کاهش یافته و ترجیح می‌دهند تا مشارکتی در ادامه این طرح‌ها نداشته باشند. بنابراین پیامد این طبقه، عدم اعتماد به اهداف طرح‌ها و مشارکت در ادامه طرح‌ها بود.

۴. بستر حاکم^۵:

به شرایط خاصی که بر کنش‌ها و تعاملات تاثیر می‌گذارد. تفکیک آنها از شرایط علی مشکل است. این شرایط را مجموعه‌ای از مفاهیم، طبقه‌ها یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند، در برابر شرایط علی که مجموعه‌ای از متغیرهای فعال است. چالش‌های مدیریتی - برنامه‌ریزی، بستری است که بر ایجاد مشکلات منفی زیست محیطی تاثیرگذار است. نامشخص بودن متولیان اصلی برنامه، عدم هماهنگی و همکاری بین سازمان‌های متولی برنامه، فقدان سیستم مدیریت واحد و فقدان چارچوب زمانی و هزینه‌ای مشخص باعث طراحی ناقص برنامه‌ای شده که با نیازهای مردم مطابقت نداشته و آنها را پوشش نمی‌دهد. لذا نیازهای مردم که بدنبال توسعه پایدار هستند نه صرفاً در توسعه کالبدی روستا مدنظر قرار نمی‌گیرد و مشکلات زیست محیطی پدید می‌آید. همیشه برای طراحی و اجرای مناسب طرح باید بستر حاکم که به دولت و مسئولین متولی طرح برمی‌گردد، یک بستر مناسب و حمایت‌کننده باشد.

^۳ casual Condition

^۴ Actions and Interactions

^۵ Context



۵. شرایط مداخله گر^۶:

شرایط مداخله گر، شرایط ساختاری هستند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود کرده و کنشها و تعاملات از آنها متأثر می شوند. مشکلات فیزیکی و عدم رعایت استانداردهای مقاوم سازی در ساخت بناها موجب ایجاد ضایعات و خرابی زود هنگام در روستا می شود که هم چهره ظاهری روستا را زشت می کند و هم باعث ایجاد ضایعات و آلودگی در کانال های آب می شود. استفاده از مصالح با کیفیت پایین و تاکید بر سود بیشتر بجای کیفیت و مقاوم سازی سازه ها توسط پیمانکاران موجب اجرای طرح های ناقص و بی کیفیتی شده که فقط به از بین بردن تفرج گاه های طبیعی و فضای سبز طبیعی روستا منجر می شود و پیامدهای منفی زیست محیطی در بر خواهد داشت.

۶. نتایج و پیامدها^۷:

برخی از طبقه ها بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در اثر اتخاذ راهبردها (کنش ها و تعاملات) بوجود می آیند. عدم اعتماد مردم به اهداف و محتوای طرح ها و در نتیجه عدم مشارکت آنها در اجرای طرح ها به عنوان پیامد نهایی مدل انتخاب شد. عدم اعتماد مردم به این طرح ها ناشی از چالش های زیست محیطی طرح ها، نقص فنی طراحی و اجرای برنامه ها، مشکلات فیزیکی و مشکلات مدیریتی- برنامه ریزی بود. همه این عوامل باعث شد تا مردم روستایی نگرش مثبتی به اهداف این طرح ها نداشته و به آنها اعتماد نکنند لذا در اجرای این طرح ها نیز تمایلی به همکاری و مشارکت از خود نشان ندهند. این روش کدگذاری که اصطلاحاً به آن «مدل پارادایم» کدگذاری محوری گفته می شود توسط استراوس و کوربین ارائه شده است و به این دلیل، محوری گفته می شود که کدگذاری حول «محور» یک طبقه انجام می شود (کرسول، ۲۰۰۵).

نتیجه گیری

طرح های هادی روستایی با شروع برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران فعالیت خود را بطور گسترده آغاز نمود. با مروری بر آثار تهیه و اجرای طرح هادی، واضح است که این طرح توانسته زمینه لازم را برای تحقق توسعه کالبدی در روستاها فراهم نموده و آثار مثبتی را به دنبال داشته باشد اما از طرف دیگر این طرح در فرایند تهیه و اجرا با چالش های و مشکلاتی مواجه بوده که منجر به بی اعتمادی و عدم مشارکت مردم روستایی در اجرای این طرح ها شده است. نتایج این مطالعه بر مبنای تئوری داده بنیان نشان داد که نظریه عدم اعتماد مردم روستایی و عدم مشارکت در این طرح ها ناشی از یک سری عوامل علی، عوامل مداخله کننده و بستر حاکم بر کنش ها و تعاملات بود. بطوریکه فقدان دانش و آگاهی مسئولین از واقعیت های روستا و شناخت مردم از اهداف طرح ها موجب بروز نقص فنی در طراحی محتوی و اجرای طرح ها می شود. سپس بروز نقص فنی در طراحی محتوی و اجرای طرح ها موجب پدید آمدن چالش های زیست محیطی در منطقه روستایی می شود. در ادامه چالش های مدیریتی- برنامه ریزی به عنوان بستر حاکم و مشکلات فیزیکی و عدم کیفیت مصالح مورد استفاده به عنوان شرایط مداخله گر نیز موجب ایجاد مشکلات زیست محیطی ناشی از اجرای طرح در مناطق روستایی می شود و در نهایت چالش های زیست محیطی بوجود آمده باعث ایجاد عدم اعتماد و نارضایتی از طرح ها شده و تمایل مردم به مشارکت در اجرای طرح ها را کاهش می دهد. بنابراین پیشنهاد می شود برای جلب اعتماد مردم و مشارکت آنها به این روابط علی توجه شده سعی شود با آگاهی دادن به مردم، آنها را از نتایج و اهداف طرح آگاه نموده، تدوین طرح ها نیز با شناخت کامل واقعیت ها و آداب و رسوم روستا باشد. همچنین باید یک سیستم مدیریت واحد با متولیان مشخص برنامه را هدایت نموده و در این مسیر هماهنگی و همکاری دستگاه های مربوطه الزامی است و در اجرای طرح ها نیز باید از پتانسیل های روستا بهره گرفته شود و صرفاً منافع سود بیشتر کنار گذاشته شود.

^۶ Intervening Condition

^۷ Consequences



منابع

۱. ازکیا، م.، و ایمانی، ع. (۱۳۸۷)، *توسعه پایدار روستایی*، چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات.
۲. دانایی فرد، ح.، و امامی، س.م. (۱۳۸۶). *استراتژیهای پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازي داده بنیاد*، اندیشه مدیریت، سال اول، شماره دوم، صص ۶۹-۹۷.
۳. بافکار، ح. (۱۳۹۰)، *بررسی های تطبیقی مشارکت های سنتی با مشارکت های نوین در جامعه روستایی ایران*، آموزش جغرافیا، دوره بیست و پنجم، شماره ۳، صص ۳۶-۳۹.
۴. تودارو، م. (۱۳۷۸)، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: انتشارات بازتاب.
۵. دانش مهر، ح. (۱۳۹۰) *اهمیت و جایگاه مشارکت مردم در نگهداری پروژه های عمرانی، ماهنامه پژوهشی، آموزشی و ترویجی دهیاری*، شماره ۳۸، صص ۸-۱۲.
۶. دانایی فرد، ح.، و اسلامی، آ. (۱۳۹۰). *کاربرد استراتژی پژوهشی نظریه داده بنیاد در عمل: ساخت نظریه بی تفاوتی سازمانی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ اول، ۱۷۸ ص.
۷. Strauss, A. and Corbin, J. (۱۹۹۸), *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, Sage: London.
۸. Glaser, B. and Strauss, A. (۱۹۹۹), *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*, Paperback ed., Aldine de Gruyter: New York, NY.
۹. Creswell, J. W. (۲۰۰۲). *Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative*. Upper Saddle River: New Jersey.